

ابن دامغانی

یکی از دانشمندان بزرگ عربی نویسنده ایرانی در قرن پنجم هجری، ابو عبدالله حسین بن محمد دامغانی است که متأسفانه ترجمه حال و کیفیت زندگی او بطور روشن در هیچ یک از مآخذها به چشم نمی خورد و آنچه در چند مآخذ پیدا می کنیم آن قدر خلاصه و مختصر است که می توان گفت فقط اسم او را از همدیگر نقل کرده اند. لکن به مصداق «عطر آن است که خود بیوید نه عطار بگوید» دو اثر مهم و بزرگی که تاکنون از این دانشمند به دست آمده است برداشش و آگاهی او در علم تفسیر و تصوف اسلامی دو گواه صادقند و دو شاهد عدل.

اول کسی که از این دانشمند نام برده است ابو الفرج بن جوزی (متوفی در ۵۹۷ هـ) است. که در مقدمه کتاب «نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه والنظائر» ضمن معرفی دانشمندی که در این علم (علم الوجوه والنظائر) به تألیف کتاب پرداخته اند، او را به نام «ابو عبدالله الحسین بن محمد دامغانی» معرفی کرده است.^۱

بعد از ابن جوزی امام بدرالدین عبدالله الزرکشی (متوفی در ۷۹۴ هـ) در بخش «النوع الرابع فی جمع الوجوه والنظائر» کتاب «البرهان فی علوم القرآن» این دانشمند را بطور ساده «الدامغانی الواعظ» معرفی کرده است.^۲

جلال الدین سیوطی متوفی (در ۹۱۱ هـ) نیز در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» خود

۱ - نسخه خطی کتابخانه بایزید استانبول به شماره ۴۹۸.

۲ - ۱۱۱/۱ - ۱۰۲.

در بحث از «علم الوجوه والنظائر» او را فقط به نام «ابن الدامغانی» معرفی می‌کند.^۱
 معاصر سیوطی، احمد بن مصطفی معروف به طاش کپریلی زاده (متوفی در ۹۶۲هـ)
 در کتاب «مفتاح السعادة ومصباح السيادة فی موضوعات العلوم» او را تنها «ابن الدامغانی»
 نامیده است.^۲

حاجی خلیفه (متوفی در ۱۰۸۱هـ) در کشف الظنون او را در دوجا به نام «ابو عبدالله
 الحسین بن محمد بن ابراهیم الدامغانی» ذکر کرده است.^۳

اسماعیل پاشا (متوفی در ۱۳۳۹هـ) نیز در «هدیه العارفين» از او به نام «ابو عبدالله
 الحسین بن محمد بن ابراهیم الدامغانی الفقيه الحنفی» یاد می‌کند، بنا بر این ابن دامغانی
 بنا به گفته زرکشی^۴ واعظ و بنا به گفته اسماعیل پاشا، فقیه حنفی بوده است.

بروکلیمان هم وی را در ردیف دانشمندی که ترجمه حالشان مجهول است آورده است.^۵
 بالاخره عمر رضا کحاله نیز در کتاب «معجم المؤلفین» به نقل از کشف الظنون، از
 این دانشمند نام برده است.^۶

تاریخ تولد و کیفیت زندگانی ابن دامغانی معلوم نیست ولی در دامغانی بودن او
 تمام ماخذها متفقند، تاریخ وفات او را حاجی خلیفه ۴۷۸ هجری قمری ذکر کرده است
 لکن ظاهراً نظر بر اینکه در همین تاریخ شخص دیگری با همین کنیه و نسبت، فقط با نام
 دیگر یعنی «ابو عبدالله محمد بن علی بن محمد الدامغانی الکبیر» در گذشته، این دو شخص
 را با هم مخلوط کرده است. حاجی خلیفه در کشف الظنون نامی از دامغانی دوم نبرده، ولی
 در کتاب «سلم الوصول» از دامغانی دوم (دامغانی کبیر) با قید تاریخ وفات ۴۷۸ هجری

۱- ۱۴۸/۱.

۲- ۲۷۱-۲۷۳/۲.

۳- ص ۱۶۷ و ص ۲۰۰۱.

۴- ۳۱۰/۱.

۵- البرهان فی علوم القرآن ۱/۱۱۱-۱۰۲.

یاد می‌کند و از این دامغانی مورد بحث‌ما، ذکری بهمیان نمی‌آورد. بنا بر این هیچ بعید نیست که حاجی خلیفه این دو را باهم مخلوط کرده، تاریخ وفات دامغانی کبیر را برای ابن دامغانی هم قید کرده است.

دامغانی کبیر، ابو عبدالله محمد بن علی بن الحسین بن عبدالملک بن عبدالوهاب الدامغانی الکبیر قاضی القضاة بغداد است که در تاریخ ۳۹۸ هجری قمری تولد یافته، در ۴۷۸ هجری وفات کرده است. شرح حال ابن دامغانی در اغلب کتب ترجمه بطور مفصل بیان شده است ولی هیچ یک از مآخذها، کتابهایی را که ابن دامغانی تألیف کرده، به دامغانی کبیر نسبت نداده‌اند و تنها کتاب «مسائل الحیطان والطرق» را از دامغانی کبیر نام برده‌اند^۱ که یک نسخه خطی به شماره ۶۳۸ در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگاهداری می‌شود. گذشته از حاجی خلیفه، بروکلمان هم کتاب «الزوائد والنظائر و فوائد البصائر» را که تألیف ابن دامغانی است به هر دو شخص نسبت داده است.^۲

زرکلی هم با تبعیت از بروکلمان، همین کتاب را به دامغانی کبیر نسبت داده، و حتی از ابن دامغانی اسمی بهمیان نیاورده است.^۳

از همه اینها آنچه مسلم میشود این است که این دو نفر یکی نبوده دو شخص جداگانه هستند و ۴۷۸ هجری سال وفات دامغانی کبیر است فقط چون یکی از نسخه‌های «الزوائد والنظائر و فوائد البصائر» در تاریخ ۴۶۹ هجری استنساخ شده بنا بر این وفات ابن دامغانی هم در همان حدود خواهد بود.

آثار ابن دامغانی :

۱- «الوجوه والنظائر» مهمترین کتابی است که دربارهٔ وجوه قرآن به زبان عربی

۱- برای اطلاع از شرح حال دامغانی کبیر به مآخذهای زیر مراجعه شود :
البدایة والنهاية، عمادالدین ابی الفدا ۱۷/۱۲ - تاریخ اسلام، ذهبی ۱۰/۱۲ - شذرات الذهب، ابن عماد ۳/۳۶۲ - مرآة الجنان، یاقعی ۱۲۳/۸ - معجم البلدان، یاقوت حموی ۵۳۹/۲.

2- GAL, Suppl, I, 460.

۳- الاعلام ۱۶۳/۷.

تألیف شده است بطوری که از همان زمان تألیف مورد توجه بزرگان وقت قرار گرفته است. تا کنون ۱۰ نسخه خطی آن با نامهای گوناگون در کتابخانه‌های دنیا پیداشده است که شرح و محل آنها در شماره ۸۶ همین مجله نوشته شده است .

۲- «شوق العروس و انس النفوس» به زبان عربی، کتاب بزرگی است در تصوف، که مؤلف مطالب آن را به شکل مجالس و عظم نوشته است و برای هر مجلس از اشعار شعرای عرب ایاتی به عنوان شاهد آورده است. این کتاب را حاجی خلیفه در کشف الظنون بی آنکه در ماهیت آن بحثی کند، فقط اسمش را معرفی کرده است، بروکلیمان، اسماعیل پاشا و عمر رضا کحاله هم اسم کتاب را بنقل از کشف الظنون معرفی کرده اند . نگارنده در ضمن تحقیقات کتب خطی ، نسخه منحصر به فرد این کتاب را که به شماره ۱۵۵۷ در کتابخانه توپقاپی سرای استانبول نگاهداری می شود دیده ام که در شماره های آینده بطور مفصل آن را معرفی خواهم کرد .

مآخذها

- ۱- الاتقان فی علوم القرآن، السیوطی، قاهره ۱۳۰۶ ق .
- ۲- الاعلام، خیرالدین الزرکلی ۱-۱۰، قاهره ۱۹۵۹-۱۹۵۴ .
- ۳- البداية والنهاية، عمادالدین ابی الفداء، قاهره ۱۳۵۱ ق .
- ۴- البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین الزرکشی، قاهره ۱۹۵۷ .
- ۵- تاریخ اسلام ، ذهبی ، نسخه خطی محفوظ در کتابخانه توپقاپی سرای استانبول ، به شماره ۲۹۱۷ .
- ۶- سلم الوصول ، حاجی خلیفه ، نسخه خطی متعلق به کتابخانه سلیمانیه استانبول ، به شماره ۱۸۸۷ .
- ۷- شذرات الذهب، ابن عماد، قاهره ۱۳۵۰ ق .
- ۸- کشف الظنون، حاجی خلیفه، استانبول ۱۹۴۱ .
- ۹- مرآة الجنان، یافعی، حیدرآباد ۱۳۳۷ ق .
- ۱۰- معجم البلدان، یاقوت حموی، لایپزیک ۱۹۲۴ .

- ۱۱- مفتاح السعادة ومصباح السيادة في موضوعات العلوم، طاش کپر یلمی زاده، حیدرآباد .
- ۱۲- نزہة الاعین النواظر فی علم الوجوه والنظائر، نسخه خطی کتابخانه بایزید استانبول، شماره عمومی ۴۹۸ .
- ۱۳- هدیة العارفين، اسماعیل پاشا، استانبول ۱۹۵۱ .
- ۱۴- C, Brockelmann Geschichte der arabischen Litteratur, Suppl, band, Leiden, 1934-1942.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی